
عبدالعظیم حسنی
و روایات
مهدویت
علیرضا هزار

بسم الله الرحمن الرحیم

عبدالعظیم حسنی و روایات مهدویت

نویسنده:

علیرضا هزار

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیهالسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عبدالعظیم حسنی و روایات مهدویت

مشخصات کتاب

نویسنده : علیرضا هزار

ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

مقدمه

در این نوشتار کوتاه روایاتی از حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه‌السلام) نقل شده است که در آن به مهدویت و مسائل مربوط به آن اشاره شده است. کوته نوشت حاضر در سه بخش می‌باشد:۱- شخصیت و زیست نامه حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه‌السلام).۲- روایات رسیده از وی در باره امام زمان (علیه‌السلام) به همراه ترجمه فارسی آنها.۳- یک نتیجه‌گیری کوتاه بر اساس روایات نقل شده.

زندگانی عبدالعظیم حسنی

عبدالعظیم به عبداللّه بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام)، صاحب کتاب «خطب امیرالمؤمنین» و «الیوم و اللیله» مشهور به حضرت عبدالعظیم و شاه عبدالعظیم، از سادات حسنی و از بزگان این خاندان، و مورد احترام امامان عصر خود و از راویان موثق است به موجب روایتی که امام هادی (علیه‌السلام) در باب فضیلت زیارت او آورده‌اند، روشن می‌شود که پیش از شهادت این امام بزرگوار (۲۵۴ ه‍- ق) درگذشته است، و می‌توان گفت در آغاز دههِ ششم از سدهِ سوم هجری و در خلافت «المعتز» زندگانی را بدرود گفته است مؤلف کتاب «جنه النعیم» با آنکه نام زوجهِ آن جناب را هم نوشته [۱] متعرض تاریخ ولادت، سن و سال دقیق رحلت او نشده و تنها می‌نویسد:«پس باید وفات حضرت عبدالعظیم، اوایل ۲۵۰ هجری، چند سال قبل از شهادت حضرت امام علی النقی (علیه‌السلام) باشد.» [۲] از امامان بزرگوار، با امام جواد، امام هادی و امام عسکری (علیهم‌السلام) معاصر بوده است. امّا آیا محضر حضرت امام علی بن موسی (علیه‌السلام) را هم درک کرده و حدیثی شنیده است مؤلف الذریعه در این باره می‌نویسد:«عصر امام رضا و امام جواد (علیهم‌السلام) را درک نمود و ایمان خود را بر امام هادی (علیه‌السلام) عرضه کرد. و از برخی کتاب‌ها نقل است که وفات او در نیمهِ شوال سال ۲۵۲ هجری است». [۳] ابن بابویه در «من لا یحضره الفقیه» در باب روزهِ یوم الشک، روایتی از او از امام رضا (علیه‌السلام) آورده و ذیل آن نوشته است: «مصنف کتاب گوید حدیثی است غریب و آن را جز از طریق عبدالعظیم حسنی نمی‌شناسم». [۴] همچنین در تعلیقه‌ی شهید ثانی بر «خلاصه» آمده است که حضرت رضا (علیه‌السلام) بر زیارت او توصیه فرموده است. [۵] لیکن عالم رجالی معاصر جناب آقای شوشتری‌می‌نویسد:«ظاهر این است که روایت حضرت رضا (علیه‌السلام) در وجوب بهشت برای زیارت فاطمه دختر موسی بن جعفر (علیه‌السلام) است، نه برای عبدالعظیم». [۶] استاد بزرگوار آیه‌اللّه خویی (ره)، آنچه را که در کتاب «اختصاص» آمده است که امام هشتم به عبدالعظیم فرمود: «سلام مرا به اولیای من برسان»، به خاطر ارسال حدیث نامعتمد دانسته و نوشته‌اند: «متحصل از کلمات اصحاب ما این است که عبدالعظیم، امام رضا (علیه‌السلام) را ندیده است، تا چه رسد که در حیات آن امام در گذشته باشد». [۷] پس ظاهراً بلکه مطمئناً وی محضر امام هشتم را درک نکرده و مستقیماً از او روایتی نشنیده است.

مقام او نزد ائمه اطهار

آنچه جلالت قدر این بزرگوار و امامزاده عالی مقدار را هر چه بیشتر آشکار می‌سازد، و عظمت مقام او را نشان می‌دهد، فرموده امام عصر اوست درباره‌اش و همین سخنان است که دانشمندان علم رجال را به تکریم او واداشته است.

سخن امام هادی درباره وی

ابوتراب رویانی از ابوحماد رازی می‌آورد که بر علی بن محمد (علیه‌السلام) در «سُرَ مَن رای» درآمدم. و او را از مسائل حلال و حرام پرسیدم و مرا پاسخ گفت. چون او را وداع گفتم فرمود:«حماد! اگر برای تو مشکلی در دین پیش آید، از عبدالعظیم بن عبدالله حسنی بپرس و سلام مرا به او برسان». [۸] همچنین این امام بزرگوار درباره‌ی او دعا کرده و دین او را درست خواند. صدوق به اسناد خود از وی می‌نویسد:بر امام خویش علی بن محمد بن علی موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام)درآمد. چون مرا دید فرمود: «مرحبا بر تو ای ابوالقاسم! تو به حق دوست مایی». گفتم: «پسر رسول خدا! می‌خواهم دین خود را بر تو عرضه کنم تا اگر پسندیده است بر آن ثابت بمانم تا خدا را دیدار کنم». فرمود«بگو!» و چون عقیدت خویش عرضه کردم امام فرمود: «ابوالقاسم، به خدا این دین خداست که آن را برای بندگانش پسندیده است بر آن پایدار باش خدایت در دنیا و آخرت بر آن پایدار بدارد». [۹] .نیز صدوق آورده است که مردی به ابوالحسن علی بن محمد هادی (علیه‌السلام) در آمد امام (علیه السلام) از او پرسید کجا بودی؟گفت: زیارت حسین (علیه‌السلام) رفته بودم.فرمود: اگر قبر عبدالعظیم را که نزد شماست زیارت می کردی چون کسی بودی که قبر حسین (علیه‌السلام) را زیارت کرده است. [۱۰] .

نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده چهار هجری

ترتیب قرن بر حسب درگذشت نویسنده است.۱) صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه (م ۳۸۱ ه- ق) کتابی درباره‌ی این بزرگوار به نام «اخبار عبدالعظیم» [۱۱] دارد که در آن خبرهای روایت شده از او را آورده است. وی درباره‌ی عبدالعظیم نوشته است: عابد، پارسا و مرضی بود. [۱۲] .۲) صاحب، اسماعیل بن عبّاد، ادیب و دانشمند معروف (متوفای ۳۸۵ ه-.ق)، وزیر مؤید الدوله و فخر الدولهِ دیلمی، مشهور به صاحب به عبّاد، به تقاضای شخصی، رساله‌ای در نسب این بزرگوار نوشته و در ضمن آن چنین آورده است:پارسا و دین‌دار و عابد و شناخته به امانت و صدق لهجت بود، و عالم به امور دین، و قائل به توحید و عدل، و روایت بسیار از او نقل است. از ابوجعفر بن علی بن موسی (علیه‌السلام) و پدرش ابوالحسن صاحب عسکر (علیه‌السلام) روایت کند و آن دو امام را برای او نامه‌هاست. [۱۳] .۳) ابونصر [سهل بن عبدالله] بخاری مؤلف کتاب «سرالانساب» که با نقل مؤلف الذریعه از دانشمندان سده‌ی چهارم هجری است، او را به زهد و علم ستوده، و گوید در ری، در مسجد شجره مدفون است. [۱۴] .

نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده پنجم هجری

۱) علم الهدی و التّقی سید مرتضی (م ۴۳۶ ه-. ق) وی را با صفتهای «سید پارسا، عالم زاهد، بلند مرتبت، بزرگ منزلت» ستوده ومی نویسد:از امامان، امام جواد، امام هادی و امام عسکری (علیه‌السلام) را درک کرد و شیعه از حدیثها و روایتهای او تاکنون بهره برده است. [۱۵] .۲) دانشمند رجالی مشهور ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن عباس معروف به نجاشی (م ۴۵۰ ه-. ق) در کتاب رجال خود داستان آمدن این سید بزرگوار را به ری و مخفی زیستن و به عبادت پرداختن او را آورده (چون این داستان در بیشتر کتابها و از جمله کتابهای زیارت آمده، از نوشتن آن صرف نظر می کنیم). سپس سلسلهِ روایت خود را از وی از طریق احمد بن

علی تـا به ابوتراب رویـانی می‌آورد و می‌نویسـد: عبـدالعظیم بن عبـداللّه، همه روایتهای خود را برای ما حـدیث کرد. [۱۶] .۳) شیخ الطائفه محمد بن الحسن الطوسـی (م ۴۶۰ ه– ق) نویسد: عابد، پارسا و مرضـی بود. [۱۷] .۴) سید عالم نسب‌دان ابو اسماعیل ابراهیم بن عبـداللّه بن حسـین بن علی شـاعر، صـاحب کتاب «منتقله الطالبیه»، [۱۸] در زمرهِ طالبیـانی که به ری آمده‌انـد دربارهِ عبـدالعظیم نویسـد:ابوالقاسم، عبـدالعظیم بن عبداللّه بن علی بن حسن بن زید، محدث و زاهد بود. او را مشـهدی است در شـجرهِ ری و قبر او را زیارت کنند. مادر او ام ولد است.

نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده هفتم

در کتاب «الشجره المبارکه فی الانساب الطالبیه» که آن را از امام فخر رازی [۱۹] دانسته‌اند آمده است:عبدالعظیم در وی کشته شد و مزار او بـدان جـا معروف و مشـهور است. [۲۰] آنچه در بـاب کشـته شـدن حضـرت عبـدالعظیم در این کتاب (منسوب به امام فخر) آمـده، در کتابهای دیگر نیست. تنها مؤلف «جنه النعیم» می‌نویسد:بنا بر این اسـتبعادی نمی‌رود که حضـرت عبدالعظیم به امر سـلطان جائر و خلیفهِ معاصـر مقتول شده باشد و این بعد از اجتماع شـیعیان و محبین و نشـر احوال و فضایل و مآثر شـریفش بوده است. [۲۱] ولی آیا کتاب «الشـجره المبارکه» از فخر رازی است؟ چنانکه مصـحح محترم در مقدمهِ کتاب نوشته‌اند، هیچ کس از تذکره‌نویسان، چنین کتاب را در شمار تألیفات فخر رازی نیاورده است.

نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده هشتم

۱) تقی‌الـدین، حسن بن علی بن داوود حلی؛ [مرحوم سـید جلال‌الـدین محـدث نویسـد:وی ظاهراً متوفی در نیمهِ اول سـده‌ی هشـتم هجری است چه کتـاب خود را در هفتصـد و هفت به پایـان رسانیـده است. تقی‌الـدین دربـارهِ او می‌نویسـد:ابوالقاسم عبـدالعظیم بن عبـداللّه بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی‌طالب عابدی پارسا و پسـندیده بود. [۲۲] .۲) حسن بن یوسف بن علی بن مطهّر معروف به علامه‌ی حلی (م ۷۲۶ ه-.ق) در کتاب «خلاصه» در باره‌ی او گوید:عالم، عابد و پارسا بود و او را حکایتی است که دلالـت بر حسن حـال او کنـد و مـا آن حکـایت را در کتـاب کبیر آورده‌ایم مؤلف «روضـات» می‌نویسـد:شایـد مقصود از حکایت، داستان عرض دین است بر امام عصر خویش. [۲۳] .

نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده نهم

۱) مؤلف کتاب «عمده الطالب»، سید احمد بن علی داوودی حسنی (م ۸۲۸ ه– ق) نویسد:از عبداللّه بن علی شدید. عبدالعظیم متولد شد. سـیدی زاهد که در مسجد شجره ری مدفون است و قبر او را زیارت کنند و فرزند او محمد است و محمد را اولادی نبود. [۲۴] و هـم این مؤلـف در کتـاب دیگر می‌نویسـد:ونسـل علی الشدیـد بن الحسن بن زیـد بن حسن بن علی بن ابی‌طـالب (علیه‌السـلام) از عبـداللّه بن علی است و نسل عبداللّه از احمد بن عبداللّه و عبدالعظیم و حسن... و عبدالعظیم زاهدی بزرگ بود و پسـر او محمد نیز. [۲۵] .

نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده یازدهم

۱) محمـد باقر بن محمـد استرآبادی مشـهور به میرداماد (م ۱۰۴۱)؛ وی در «الرواشـح السـماویه» گفته است:از سـخنان ذایع شایع این است که طریق روایت از جهت ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبداللّه حسـنی، مدفون به مشهد شجرهِ ری – رضی اللّه تعالی عنه و ارضاه – حسن است، چه او ممـدوح است و نصـی بر توثیق او نیست. لیکن در نظر من ناقـد بصـیر و متبصـر خـبیر این نظر را مسـتهجن و قبیح

می‌شمارد و اگر درباره‌ی او جز حدیث عرض دین و حقیقت معرفت او و فرموده‌ی امام هادی ابوالحسن ثالث (علیه‌السلام) که «تو به حق دوست مایی» و نسب شریف وی که از سلالهِ نبوت است نبود، او را کفایت می کرد. [۲۶] مرحوم نوری می‌نویسد:محقق داماد در «رواشح» در شرح حال و در فضل زیارت او روایتهای متضافره آورده؛ از جمله اینکه کسی که او را زیارت کند بهشت برای او واجب است. [۲۷] .

نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده دوازدهم

۱) شیخ محمد بن حسن حر عاملی (م ۱۱۰۴) مؤلف کتاب «وسائل الشیعه» می‌نویسد:ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبداللّه بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام)، عابد و پارسا بود و او را حکایتی است که دلالت بر حسن حال او کند. این بابویه گفته است او مرضی بود. علامه و نجاشی نیز چنان گفته‌اند. صدوق در «ثواب الاعمال» آورده است که زیارت او چون زیارت حسین (علیه‌السلام) است. [۲۸] .۲) علامه مجلسی (م ۱۱۱۰ ه- ق) ذیل عنوان «فضل زیارت عبدالعظیم» روایت منقول از امام هادی (علیه‌السلام) را که زیارت عبدالعظیم برابر زیارت حسین (علیه‌السلام) است از «ثواب الاعمال» صدوق و «کامل الزیارات» و نیز داستان در آمدن او را به ری تا به خاک سپرده شدنش در باغ عبدالجبار نقل کرده است.۳) محمد بن علی اردبیلی (تاریخ ولادت و وفات او به تحقیق معلوم نیست و چون اجازهِ مجلسی برای او در سال ۱۰۹۸ صادر شده پس می‌توان او را از عالمان سده‌ی یازدهم و متوفای سده‌ی دوازدهم به شمار آورد) اردبیلی در باره‌ی عبدالعظیم نویسد:عبدالعظیم بن عبداللّه حسن علوی... عابد و پارسا بود و او را حکایتی است که بر نیکویی او دلالت کند (سپس همان روایتی را که مردی از اهل ری نقل کند آورده است). [۲۹] .

نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده سیزدهم

۱) محمد بن اسماعیل حائری (م ۱۲۱۵ ه- ق) در کتاب «منتهی المقال فی علم الرجال» در باره‌ی او می‌نویسد:«او راست کتاب «خطب امیرالمؤمنین، علیه‌السلام». وی مردی عابد و پارسا بود.»

نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده چهاردهم

۱) حاج میرزا ابوالقاسم نراقی مؤلف کتاب «شعب المقال فی احوال الرجال» می‌نویسد:ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبداللّه بن علی بن حسن بن زید حسن بن علی بن ابی‌طالب ثقه‌ای جلیل القدر بود. گریزان از سلطان به ری درآمد و در آنجا بمُرد و به خاک سپرده شد. امام هادی (علیه‌السلام) به بعضی از اصحاب خود فرمود: اگر قبر عبدالعظیم را زیارت می‌کردی چون کسی بودی که حسین بن علی (علیه‌السلام) را زیارت کرده است. [۳۰] .

عبدالعظیم حسنی و روایات مهدویت

اشاره

آنچه فرا روی شماست، مجموعه‌ایست کوچک از هشت روایتی که از عبدالعظیم حسنی (علیه‌السلام)درباره‌ی امام زمان (عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف)رسیده است. این روایت‌ها که واجد سندهای پذیرفته‌ای هم هستند در موضوعاتی بسان ویژگی‌های امام عصر (اروحنافداه)؛ غیبت و آثار آن؛ انتظار و فضیلت آن؛ عصر ظهور و رخدادهای آن و نیز برتری منتظران بر غیرمنتظران آمده

است کوشیده‌ایم این اخبار را از مصادر و منابع اولیه نقل کنیم گفتنی است که از جمله روایتی که در این مجموعه آمده است روایت مشهور به عرض دین است. این روایت بلندترین روایت رسیده از حضرت عبدالعظیم (علیه‌السلام) است که تاکنون شرح‌هایی هم بر آن نگاشته شده است. علت اینکه این روایت در این مجموعه نشسته است، بحث مهدویتی است که در پایان آن مطرح شده است.

قیام قائم

عن عبدالعظیم الحسنی (رضی‌عنه اللّه) قال: قلت لمحمّد بن علی بن موسی (علیهم‌السّلام): یا مولای انّی لارجو ان تکون القائم من اهل بیت محمّد الذی یملا الارض قسطاً وعدلاً کما ملئت ظلماً وجوراً.فقال (علیه‌السّلام): مامنّا الاّ قائم بأمر اللّه. و هاد اِلی دین اللّه ولکن القائم الذی یطهّر اللّه به الارض من اهل الکفر والجحود ویملا الارض قسطاً وعدلاً هو الذی یخفی علی النّاس ولادته، و یغیب عنهم شخصه، و یحرم علیهم تسمیته، و هو سمیُّ رسول اللّه و کنیّه، و هو الذی تطوی له الارض ویذلّ له کلّ صعب، یجتمع الیه من اصحابه عدّه اهل بدر: ثلاثمائه و ثلاثه عشر رجلاً من اقاصی الارض وذل قول اللّه: (اَ ینَ مَا تَکُونُوا یَأتِ بِکُمُ اللّهُ جَمِیعاً ان اللّهَ عَلَی کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ) [۳۱] فاِذا اجتمعت له هذه العدّد من اهل الاخلاص اظهر اللّه امره، فاذا کمل له العقد و هو: عشره آلاف رجل خرج باِذن اللّه، فلایزال یقتل اعداء اللّه حتّی یرضی عزّوجلّ قال عبدالعظیم: فقلت له: یا سیّدی! فکیف یعلم انّ اللّه قد رضی قال: یلقی فی قلبه الرحمه، فاًذا دخل المدینه اءخرج اللات والعزّی فأحرقهما. [۳۲] عبدالعظیم حسنی گفت: به حضرت جواد عرض کردم: من امیدوارم که آن «قائم» که زمین را پر از عدل و داد کند پس از آنکه از جور و ستم پر شده باشد از خاندان حضرت رسول اللّه، شما باشی حضرت فرمود: ای ابوالقاسم! ما اهل بیت همه قائم به امر خداوندیم و راهنمای دین او هستیم، لیکن آن قائم که خداوند بوسیله او جهان را از کفر و آلودگی و ظلم و جنایت پاک خواهد کرد، و جهان را پر از عدل و داد می‌نماید، کسی است که ولادت او از انظار مخفی می‌ماند و شخص او از مردم پنهان می‌شود، و بردن نام او بر مردم حرام می‌گردد، آن حضرت با پیغمبر هم نام و هم کنیه است، وی آن شخصی است که زمین از برای او در هم پیچیده می‌گردد و هر دشواری برایش آسان می‌شود، یاران وی که به اندازه‌ی اصحاب بدر هستند در هر کجای دنیا باشند پیرامونش جمع می‌شوند، و تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی (اَ ینَما تَکُونُوا یَأتِ بِکُمُ اللّهُ جَمِیعاً ان اَللّهَ عَلَی کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ) در هر جایی که باشید خداوند همه شما را جمع می‌کند و پروردگار به همه چیز توانا است ناظر به این معنی است، هر گاه این عده که از اهل اخلاص‌اند اجتماعی کنند، خداوند امر او را اظهار خواهد نمود، وقتی که لشگریان آن حضرت که ده هزار نفرند بهم بپیوندند در این هنگام به فرمان و اذن پروردگار ظهور خواهد نمود، و دشمنان خداوند را خواهد کشت تا از وی راضی گردد عبدالعظیم حسنی گوید: عرض کردم: آن بزرگوار از کجا می‌داند که خدا از وی راضی شده است فرمود: در دل وی رحمت و عاطفه‌ای پیدا می‌شود که حاکی از رضایت خداوند است و هرگاه داخل مدینه شود، لات و عزّی را از قبر بیرون می‌کند و می‌سوزاند.

سنگ باران کردن شیطان در زمان ظهور

۲. حدّثنا محمّد بن احمد الشیبانی (رضی‌عنه‌الله) قال: حدّثنا محمّد بن ابی عبداللّه الکوفی قال: حدّثنا سهل بن زیاد، عن عبدالعظیم بن عبداللّه الحسنی قال: سمعت ابا الحسن علی بن محمّد العسکری (علیهم‌السّلام) یقول: معنی الرجیم انّه مرجوم باللعن، مطرود من مواضع الخیر، لا یذکره مؤمن اِلاّ لعنه، و انّ فی علم اللّه السابق انّه اِذا خرج القائم (علیه‌السّلام) لایبقی مؤمن فی زمانه اِلاّ رجمه بالحجاره کما کان قبل ذلک مرجماً باللعن. [۳۳] از عبدالعظیم حسنی (علیه‌السّلام) رسیده است که گفت از حضرت هادی (علیه‌السّلام) شنیدم که می‌فرمود: مقصود از «رجیم» از رحمت و آمرزش دور شدن و از درگاه خداوند رانده گردیدن، و از منبع

فیض طرد شدن است، هیچ مؤمنی او را بیاد نمی‌آورد مگر بالعن و نفرت، و از علم خداوند گذشته که هرگاه ولی عصر ظهور نماید همه‌ی مؤمنین زمان آن حضرت، شیطان را سنگ‌باران خواهند کرد، همان طور که پیش از او بالعن و نفرین رانده شده بود.

نامه نبوی – علوی

۳. محمّد بن علی بن الحسین قال: حدّثنا ابوالعبّاس محمّد بن اِبراهیم بن‌اِسحاق الطالقانی (رضی‌عنه‌الله) قال: حدّثنا الحسن بن اِسماعیل قال: حدّثنا سعید بن محمّد بن القطان قال: حدّثنا عبیداللّه بن موسی الرویانی عن عبدالعظیم بن عبداللّه الحسنی، عن علی بن الحسن بن زید بن الحسن بن علیّ بن ابی طالب قال: حدّثنی عبداللّه بن محمّد بن جعفر، عن ابیه عن جدّه انّ محمّد بن علی باقر العلم (علیه‌السّلام) جمع ولده و فیهم عمّهم زید بن علی، ثمّ اخرج کتاباً اِلیهم بخطّ علی و اِملاء رسول اللّه (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) مکتوب فیه بسم اللّه الرحمن الرحیم هذا کتاب من اللّه العزیز الحکیم اِلی محمّد نوره وسفیره، وحجابه ودلیله، نزل به الرّوح الامین من عند ربّ العالمین عظّم یا محمّد اسمائی، واشکر نعمائی، ولاتجحد آلائی، اِنّی انا اللّه لا اِله اِلّا انا، قاصم الجبّارین، ومذلّ الظالمین، ومبیر المتکّبرین، ودیّان یوم‌الدین،اِنّی انا اللّه لا اِله اِلّا انا، فمن رجا غیر فضلی، او خاف غیرعدلی عذّبته عذاباً لا اُعذّبه احداً من العالمین؛ فاِیّای فاعبد، وعلَی فتوکّل، اِنّی لم ابعث نبیّاً فأکملت ایّامه وانقضت مدّته اَلّا جعلت له وصیّاً واِنّی فضّلتک علی الانبیاء، وفضّلت وصیّک علی الاوصیاء، واکرمتک بشبلیک بعده و بسبطیک الحسن والحسین، وجعلت حسناً معدن علمی بعد انقضاء مدّه ابیه، وجعلت حسیناً خازن و حیی واکرمته بالشهاده وختمت له بالسعاده فهو افضل من استشهد و ارفع الشهداء درجه، جعلت کلمتی التامّه معه والحجّه البالغه عنده، بعترته اُثیب واُعاقب، اوّلهم «علیّ» سیّد العابدین، وزین اولیائی الماضین، وابنه سمّیّ جدّه المحمود «محمّد» الباقر لعلمی والمعدن الحکمتی، سیهلک المرتابون فی «جعفر» الرادّ علیه کالرادّ علّی، حقّ القول منّی لاکر منّ مثوی جعفر، ولاُسرّ نّه فی اشیاعه وانصاره واولیائه وانتجبّت بعد «موسی» فتنه عمیاء حندس؛ لانّ خیط فرضی لاینقطع، و حجّتی لاتخفی، وانّ اولیائی یسقون بالکأس الاوفی، من جحد واحداً منهم فقد جحد نعمتی، ومن غیّر آیه من کتابی فقد افتری علَیّ، ویل للمفترین الجاحدین عند انقضاء مدّه موسی، عبدی و حبیبی، وخیرتی فی «علیّ» ولیّی وناصری ومن اضع علیه اعباء النبوّه، وامتحنه بالاضطلاع بها یقتله عفریت متکبّر، یدفن فی المدینه التی بناها العبد الصالح اِلی جنب شرّ خلقی. حقّ القول منّی لاسرّ نّه «محمد» ابنه، وخلیفته من بعده و وارث علمه، فهو معدن علمی وموضع سرّی وحجّتی علی خلقی، لا یؤمن به عبد اِلّا جعلت الجنّه مثواه و شفّعته فی سبعین من اهل بیته کلّهم قد استوجبوا النّار، واختم بالسعاده لابنه «علیّ» ولیّی وناصری، والشاهد فی خلقی، و امینی علی وحیی، اُخرج منه الداعی اِلی سبیلی، والخازن لعلمی «الحسن» واکمل ذل بابنه «م ح م د» رحمه للعالمین، علیه کمال موسی و بها عیسی و صبر ایّوب، فیذلّ اولیائی فی زمانه، وتتهادی رووسهم کما تتهادی رووس الترک والدیلم، فیقتلون، ویحرقون و یکونون خائفین، مرعوبین وجلین، تصبغ الارض بدمائهم، ویفشو الویل والرنّه فی نسائهم، اولئک اولیائی حقّاً، بهم ادفع کل فتنه عمیاء حندس، وبهم اکشف الزلازل، وادفع الاصار والاغلال، اولئک علیهم صلوات من ربّهم واولئک هم المهتدون ثمّ قال فی آخره: قال عبدالعظیم: العجب کلّ العجب لمحمّد بن جعفر وخروجه اَذ سمع اباه (علیه‌السّلام) یقول هکذا ویحکیه ثمّ قال: هذا سرُّ اللّه ودینه ودین ملائکته؛ فصنه اَلّا اهله واولیائه [۳۴] .۳- عبداللّه بن محمّد بن جعفر از پدرش و او از جدش روایت کرده که حضرت باقر (علیه‌السّلام) فرزندان خود را پیرامونش جمع نمود و در میان آنها عمّ آن حضرت زید بن علی هم بود، پس از آن حضرت باقر (علیه‌السّلام) کتابی را بیرون آورد که به خط امیرالمؤمنین (علیه‌السّلام) و املاء حضرت رسول (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) بود، و در آن کتاب مطالب ذیل نوشته شده بود بسم اللّه الرحمن الرحیم این کتابی است از خداوند توانا و درستکار به‌سوی محمّد که نور او و سفیر او و حجاب او و رهنمای اوست، این نامه را جبرئیل امین از نزد خداوند جهانیان فرود آورده ای محمّد! نامهای مرا بزرگ بشمار و از نعمتهای من سپاسگزاری کن، منم خدایی که جز من معبودی نیست، شکننده‌ی پشت ستمگران و عزّت دهنده‌ی ستمدیدگان، و قاضی و حاکم

روز رستاخیز. منم خداونـدی که جز من معبودی نیست، هر کس غیر از احسان من از دیگری امیـدوار باشد، و یا غیر از عدل من از دیگری بترسـد او را عـذابی دهم که احـدی را ماننـد آن عـذاب نکرده بـاشم اکنون مرا عبـادت کن و بر من توکـل نمـا. پیغمبری را مبعوث نمی‌کنم مگر اینکه در هنگام انقضای زمان او برایش وصـیی قرار می‌دهم، و من تو را بر همه پیغمبران برتری دادم و وصیّت را نیز بر سایر اوصـیاء برگزیدم، و تو را گرامی داشتم به دو فرزندت حسن و حسین که دو شیر بچه‌اند، حسن را بعد از گذشتن زمان پـدرش معـدن علم خود قرار دادم، و حسـین را گنجور وحی خویش ساختم و او را به شـهادت گرامی داشـتم، و عاقبت کار او را به سعـادت ختم نمـودم، او افضـل شـهداء است و بلنـدترین مقـام را در میـان آنهـا دارد، کلمه‌ی تـامه و حجّت بـالغه خـود را در نزد او گذاشـتم، بوسیله عـترت او جزا می‌دهم و عقـاب می‌کنم اولین آن عترت «علی» است که پیشوای عبادت‌کننـدگان و زینت دوسـتان گذاشـته‌ام هسـت، و فرزنـدش «محمّـد» کـه همنـام جـدش می‌باشـد شـکافنده‌ی علم و معـدن حکمت من است، زود است که مردم درباره‌ی «جعفر» به شك افتنـد و هلاك گردنـد، کسـی که وی را تکذیب کند گویا مرا تکذیب کرده است، و من جایگاه جعفر را گرامی خواهم داشت، و او را بوسیله شـیعیان و دوسـتان و پیروانش خوشـنود خواهم ساخت. پس از وی به «موسی» فتنه‌ی تاریك و ظلمانی نازل خواهد شد، رشـته تقدیراتم بریده نمی‌شود و برهانم پنهان نمی‌ماند و دوسـتانم از جام پری سـیراب می‌گردند، هر کس یکی از آنها را انکار نماید به نعمت من ناسپاسـی کرده، هر که آیه‌ای از کتاب مرا جا به جا کند بر من دروغ بسته، وای بر مفترین و منکرین. در این هنگام که زمان «موسـی» منقضـی شود، بنـده و دوست و برگزیده‌ام «علی» که ولی و یاری کننده‌ی من است خواهد آمد، کسی که سنگینی‌های نبوّت را بر دوش او می‌گذارم و او را به قوّت و نیرو در حمل اعباء رسالت آزمایش می‌کنم، او را دیوی سرکش و خودپرست خواهـد کشت، و در شـهری که بنای آن بـدست بنـده صالـح گذاشـته شـده در نزد بدترین مخلوقات من دفن خواهد گردید. گفتارم ثابت است او را بوسیله فرزندش «محمّد» که جانشـین و وارث علم و دانش اوست مسرور خواهم ساخت، او معدن علم و محلّ اسرار و بر مخلوقاتم حجّت است، هیچ بنده‌ای به او ایمان نیاورد مگر اینکه بهشت را جایگاه او قرار خواهم داد، و او را در هفتـاد نفر از خویشاونـدانش که آتش جهنّم بر آنهـا لازم شـده باشـد شـفیع خواهم ساخت. فرزنـد او «علی» را که دوست و یاری کننده من است عاقبت کارش را به سـعادت و خوشـبختی پایان می‌دهم و او را گواه در میان مردمان و امین در وحی خود قرار خواهم داد و از وی دعوت کننده به طریقم و خازن علم خود «حسن» را بیرون خواهم آورد، و او را به فرزندش «م ح م د» که وسـیله آمرزش برای جهانیـان است تکمیـل خواهم نمود. در این فرزنـد کمـال موسـی و بهـاء عیسـی و صـبر ایوب نهفته است، در زمـان او دوسـتانم خـوار خواهنـد شـد و سـرهای آنهـا را به یکـدیگر هـدیه خواهنـد داد همـان طور که سـرهای ترك و دیلم را به هم هـدیه می‌دادنـد، اینـان کشـته می‌شونـد و سوخته می‌گردنـد، آنان همواره ترسان، مرعوب و اندیشه‌منـد هسـتند، زمین به خون اینها رنگین می‌شود، فریـاد و نـاله و بانـك و شـیون از زنـان آنها بلنـد است، و اینها از دوسـتان واقعی من هسـتند، بوسـیله اینها هر فتنه تاریك و ظلمـانی را دفـع خـواهم سـاخت، و به خـاطر اینهـا زلزله‌هـا را برطرف می‌کنم و سـختی‌ها و ظلم‌هـا را بر می‌دارم، این دسـته از مردم مشـمول رحمت خداوند بوده و صـلوات او شامل حال آنها می‌باشد و اینان هدایت شده هستند در پایان حدیث عبدالعظیم فرمود: از محمّد بن جعفر تعجّب است پس از اینکه این حدیث را از پدرش شـنید و آن را از برای مردم بازگو کرد، به گفتار او توجهی نکرد و خروج نمود، این از اسرار پروردگار است، او را از نااهلان نگهدارید.

عرض دین بر معصوم

حدّثنا علی بن احمد بن موسـی الدقّان (رضـی‌عنه‌الله) وعلی بن عبداللّه الورّاق جمیعاً قالا: حدّثنا محمّد بن هارون الصوفی قال: حدّثنا ابو تراب عبیداللّه بن موسی الرویانی، عن عبدالعظیم ابن عبداللّه الحسنی قال: دخلت علی سیّدی علی بن محمّد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب (علیهم‌السّـلام) فلمّا بصر بی قال لی: مرحباً بك یا اباالقاسم، انت ولیّنا حقّاً

قال: فقلت له: یابن رسول اللّه! اِنّی اُرید ان اعرض علی دینی، فاِن کان مرضیّاً ثبتُّ علیه حتّی الفی اللّه عزّوجلّ فقال: هات یا ابا القاسم فقلت: اِنّی اقول انّ اللّه تعالی واحـد لیس کمثله شـیء، خارج من الحـدّین: حـدّ الاِبطال و حدّ التشبیه، و انّه لیس بجسم ولا صوره ولا عرض ولاـ جوهر، بـل هو مجسّم الاجسـام، ومصوّر الصور، وخـالق الاـعراض والجواهر، وربُّ کـلّ شـیء و مـالکه و خـالقه، وجـاعله ومحـدثه، وانّ محمّـداً عبده ورسوله خاتم النبیّین، فلا نبیّ بعده اِلی یوم القیامه، وانّ شـریعته خاتمه الشـرائع، فلا شـریعه بعدها اِلی یوم القیـامه، واقول انّ الاًمام والخلیفه وولیّ الامر بعـده امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه‌السّـلام)، ثمّ الحسن، ثمّ الحسـین، ثمّ علیّ بن الحسـین، ثمّ محمّـد بن علی، ثمّ جعفر بن محمّـد، ثمّ موسـی‌بن جعفر، ثمّ علیّ بن موسـی، ثمّ محمّـد بن علی، ثمّ انت یا مولای فقال علی (علیه‌السّلام): و من بعدی الحسن ابنی، فکیف للنّاس بالخلف من بعده قال: قلت، وکیف ذاک یا مولای قال: لاِنّه لایُری شخصه، ولاـ یحـلّ ذکره باسـمه حتّی یخرج فیملاـ الاـرض قسطاً وعـدلاً کمـا مُلئت ظلمـاً وجوراًقال: فقلت: اقررت، واقول انّ ولیّهم ولیّ اللّه، وعـدوّهم عـدوّ اللّه، وطـاعتهم طاعه اللّه، ومعصـیتهم معصـیه اللّه، اقول انّ المعراج حقّ، والمسأله فی القبر حقّ، و انّ الجنّه حقّ، و النّار حقّ، والصـراط حقّ، و المیزان حقّ، وانّ السـاعه آتیه لاـریب فیها، وانّ اللّه یبعث من فی القبور، واقول انّ الفرائض الواجبه بعـد الولایه الصـلاه، والزکاه، والصوم، والحـج، والجهاد، والامر بالمعروف و النهی عن المنکر فقال علی بن محمّـد (علیهماالسّـلام): یا ابا القاسم! هذا واللّه دین اللّه الذی ارتضاه لعباده فاثبت علیه، ثبّتک اللّه بالقول الثابت فی الحیاه الدنیا وفی الاخره. [۳۵] عبدالعظیم حسنی فرمود: بر آقا و مولای خود علی بن محمّد (علیهماالسّـلام) وارد شدم، چون نظر آن حضـرت بر من افتاد، فرمود: مرحبا ای ابوالقاسم! تو حقّا از دوسـتان مـا هستی عبـدالعظیم گفت: عرض کردم: ای پسـر پیغمبر! میل دارم عقائـد دینی خود را بر شـما عرضه بـدارم، اگر مورد پسند باشد بر او ثابت باشم تا به لقای خداوند برسم امام (علیه‌السّلام) فرمود: عقائد خود را اظهار نما گفت: عرض کردم: من معتقدم خـدا یکی است وماننـد او چیزی نیست، و از دو حـدّ ابطـال و تشبیه بیرون است، خداونـد جسم و صورت و عرض و جوهر نیست، بلکه پروردگـار اجسـام را جسـمیّت داده و صورت‌هـا را تصـویر فرموده، و اعراض و جواهر را آفریـده است، او خداونـد همه چیز و مالک و محدث اشـیاء است. عقیده دارم محمّد (صـلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) بنده و فرستاده‌ی او خاتم پیغمبران است، و پس از وی تا روز قیامت پیغمبری نخواهـد بود، شـریعت وی آخرین شـرایع بوده و پس از او دینی و مـذهبی نخواهد آمد. عقیده‌ی من درباره‌ی امامت این است که امام بعد از حضـرت رسول (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) است، بعد از او حسن، پس از وی حسـین و علی بن الحسین و محمّد بن علی و جعفر بن محمّد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمّد بن علی (علیهم‌السّـلام)، بعد از اینها امام مفترض الطاعه شما هستید در این هنگام حضرت هادی (علیه‌السّلام) فرمود: پس از من فرزندم حسن امام است لیکن مردم درباره‌ی امام بعـد از او چه خواهند کرد گوید: عرض کردم: ای مولای من! مگر جریان زندگی امام بعد از او از چه قرار است فرمود: امام بعد از فرزندم حسن شخصـش دیده نمی‌شود و اسـمش در زبانها جایز نیست ذکر گردد تا آن گاه که از پس پرده غیب بیرون شـود و زمین را از عـدل و داد پر نمایـد، همـان طور که از ظلم و سـتم پر شـده باشـد عبـدالعظیم گفت: عرض کردم: به این امام غائب هم معتقـد شـدم و اکنون می‌گویم: دوست آنان دوست خـدا، و دشـمن ایشان دشـمنان خـدا هسـتند. طاعت آنان طاعت پروردگار و معصـیت و نافرمانی از آنها موجب معصـیت اوست. من عقیده دارم که معراج و پرسـش در قبر و هم چنین بهشت و دوزخ و صـراط و میزان حقنـد، و روز قیامت خواهـد آمـد و در وجود آن شـکی نیست، و خداوند همه‌ی مردگان را زنـده خواهد کرد، و نیز عقیده دارم که واجبات بعد از اعتقاد به ولایت و امامت عبارت‌اند از: نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر در ایـن هنگـام حضـرت هـادی (علیه‌السّـلام) فرمـود: ای ابوالقـاسم! به خـدا سوگنـد این معتقـدات شـما دین خداست که برای بندگانش برگزیده، بر این عقیده ثابت باش خداوند تو را به همین طریق در زندگی دنیا و آخرت پایدار بدارد.

ویژگی انتظار

۵. الحسین بن علی العلوی، عن سهل بن جمهور، عن عبدالعظیم بن عبداللّه الحسنی، عن الحسن بن الحسین العرنی، عن علی بن هاشم، عن ابیه، عن ابی جعفر (علیه‌السّلام) قال: ما ضرّ من مات منتظراً لامرنا الاّ یموت فی وسط فسطاط المهدی وعسکره. [۳۶] علی بن هاشم از پدرش از حضرت باقر (علیه‌السّلام) روایت کرده که آن جناب فرمود: کسی که در انتظار «امر» ما باشد زیانی به او نخواهد رسید، و این شخص مانند این است که در وسط خیمه‌ی حضرت مهدی و در میان لشگر آن جناب مرده باشد.

شرایط غیبت

۶. حدّثنا محمّد بن احمد الشیبانی (رضی الله عنه)، قال: حدّثنا محمد بن جعفر الکوفی- قال: حدّثنا سهل بن زیاد الادمی قال: حدّثنا عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی (رضی الله عنه) عن محمّد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب (علیهم‌السّلام) عن ابیه عن آبائه عن امیرالمؤمنین (علیهم‌السّلام) قال: للقائم منّا غیبه امدها طویل، کأنّی بالشیعه یجولون جولان النعم فی غیبته، یطلبون المرعی فلایجدونه، الا- فمن ثبت منهم علی دینه ولم یقس قلبه لطول امد غیبه اِمامه فهو معی فی درجتی یوم القیامه ثمّ قال (علیه‌السّلام): انّ القائم منّا اذا قام لم یکن لاحد فی عنقه بیعه فلذلک تخفی ولادته ویغیب شخصه. [۳۷] عبدالعظیم حسنی از حضرت جواد (علیه‌السّلام) و او از آباء گرامش از امیرالمؤمنین روایت نموده که آن بزرگوار فرمود: برای قائم ما غیبتی است که زمان آن بطول خواهد انجامید، من شیعیان را می‌بینم در غیبت او مانند گوسفندان که در جستجوی چرا گاه این طرف و آن طرف می‌روند سرگردان خواهند شد، و هرگز بوجود شریف آن حضرت راه پیدا نخواهند کرد. اکنون متوجه باشید هر کس از شیعیان ما در زمان غیبت بر دین و عقیده‌ی خود ثابت بماند، و دلش از طول غیبت خسته نگردد، وی در روز قیامت در نزد خودم قرار خواهد گرفت بعد از آن حضرت فرمود: قائم ما هر گاه قیام نماید تحت تبعیت احدی نخواهد بود، و برای این است که ولادت او از مردم مخفی می‌ماند، و وجود مقدسش از انظار غایب می‌گردد.

منتظران، بهترین اهل زمان

۷. حدّثنا علی بن عبداللّه الورّاق قال: حدّثنا محمّد بن هارون الصوفی، عن عبداللّه بن موسی، عن عبدالعظیم بن عبداللّه الحسنی (رضی الله عنه) قال: حدّثنی صفوان بن یحیی، عن اِبراهیم بن‌ابی زیاد، عن ابی حمزه الثمالی، عن ابی خالد الکابلی قال: دخلت علی سیّدی علی بن الحسین زین العابدین (علیهماالسّلام) فقلت له: یابن رسول اللّه! اخبرنی بالذین فرض اللّه عزّوجلّ طاعتهم و مودّتهم، واوجب علی عباده الاقتداء بهم بعد رسول اللّه (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) فقال لی: یا کابلی! اَنّ اُولی الامر الذین جعلهم اللّه عزّوجلّ ائمّه للناس و اوجب علیهم طاعتهم: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه‌السّلام)، ثمّ الحسن، ثمّ الحسین ابنا علی بن ابی طالب. ثمّ انتهی الامر اِلینا، ثمّ سکت فقلت له: سیّدی! روی لنا عن امیرالمؤمنین (علی) (علیه‌السّلام) انّ الارض لاتخلو من حجّه للّه عزّوجلّ علی عباده، فمن الحجّه و الاًمام بعدک قال: ابنی جعفر، واسمه فی التوراه باقر؛ یبقر العلم بقراً، هو الحجّه والاِمام بعدی، و من بعدی محمّد ابنه جعفر، واسمه عند اهل السماء الصادق فقلت له: یا سیّدی! فقلت فکیف صار اسمه الصادق و کلّکُم صادقون قال: حدّثنی ابی ابیه (علیهماالسّلام) انّ رسول اللّه (علیه‌السّلام) قال: اًذا ولد ابنی جعفر بن محمّد علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب (علیهم‌السّلام) فسمّوه الصادق؛ فاِنّ للخامس بن ولده ولداً اسمه جعفر یدّعی الاِمامه اجتراء علی اللّه و کذباً علیه فهو عند اللّه جعفر الکذّاب المفتری علی اللّه عزّوجلّ، والمدّعی لما لیس له بأهل، المخاف علی ابیه والحاسد لاخیه، ذلک الذی یروم کشف ستر اللّه عند غیبه ولیّ اللّه عزّوجلّ ثمّ بکی علیّ بن الحسین (علیهماالسّلام) بکاء شدیداً ثمّ قال: کأنّی بجعفر الکذّاب وقد حمل طاغیه زمانه علی تفتیش امر ولیّ اللّه، والمغیب فی حفظ اللّه والتوکیل بحرم ابیه جهلاً منه بولادته، وحرصاً منه علی قتله اًن ظفر به (و) صمعاً فی میراثه حتّی یأخذه بغیر حقّه قال ابو خالد: فقلت له: یابن رسول اللّه! وانّ ذلک لکائن فقال: اِی و ربّی اِنّ ذلک لمکتوب عندنا فی

الصحیفه التی فیها ذکر المحن التی تجری علینا بعد رسول اللّه (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) قال ابو خالد: فقلت: یابن رسول اللّه! ثمّ یکون ماذا قال: ثمّ تمتدّ الغیبه بولیّ اللّه عزّوجلّ الثانی عشر من اوصیاء رسول اللّه (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) والائمّه بعده یا ابا خالد! انّ اهل زمان غیبته القائلین بِامامته والمنتظرین لظهوره افضل من اهل کلّ زمان؛ لانّ اللّه تبارک و تعالی اعطاهم من العقول و الافهام والمعرفه ما صارت به الغیبه عندهم بمنزله المشاهده، وجعلهم فی ذلک الزمان بمنزله المجاهدین بین یدی رسول اللّه (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) بالسیف، اولئک المخلَصون حقّاً وشیعتنا صدقا، والدعاه اِلی دین اللّه عزّوجلّ سّراً وجهراً و قال علی بن الحسین (علیهماالسّلام): اِنتظار الفرج من اعظم الفرج. [۳۸] ابو خالد کابلی گوید: بر سیّد خود علی بن الحسین (علیهماالسّلام) وارد شدم و به آن حضرت عرض کردم: ای فرزند پیغمبر! از کسانی که خداوند اطاعت از آنها را پس از پیغمبر واجب نموده و بندگان خود را به اقتدای آنان ملزم ساخته است مرا آگاه نما حضرت فرمود: ای کابلی! اولوالامری که پروردگار آنها را برای مردم پیشوا قرار داده و اطاعت ایشان را واجب نموده است، اولین آنها امیرالمؤمنین (علیه‌السّلام) و بعد از وی دو فرزندش حسن و حسین (علیهماالسّلام) هستند، پس از این دو نفر مقام آنان به ما رسیده، پس حضرت ساکت شدند ابو خالد گوید: عرض کردم: ای سرور من! برای ما روایت کرده‌اند که امیرالمؤمنین (علیه‌السّلام) فرمود: زمین هیچگاه از حجت خدا خالی نمی‌ماند پس حجت و امام بعد از تو کیست حضرت فرمود: فرزند من محمّد که نام او در تورات باقر است؛ زیرا که علم را از هم خواهد شکافت و حقائق آن را برای مردم بازگو خواهد کرد او امام و حجّت بعد از من است، پس از وی فرزندش «جعفر» حجّت و امام است و نام او در نزد اهل آسمان «صادق» است راوی گوید: عرض کردم: ای سیّد من! چگونه وی را «صادق» نامیده‌اند در حالی که شما اهل بیت همه صادق و راستگو هستید حضرت فرمود: پدرم از پدرش روایت کرده که حضرت رسول (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) فرمود: هر گاه فرزندم جعفر بن محمّد متولد شد او را صادق نام بگذارید؛ زیرا که پنجمین فرزند او که جعفر نام خواهد داشت مدّعی مقام امامت خواهد شد، وی در نزد پروردگار کذّاب و مفتری محسوب است و مدّعی مقامی است که اهلیّت آن را ندارد، او با پدرش مخالفت می‌نماید و به برادرش حسد می‌ورزد، او در هنگامی که ولیّ خدا غایب است قصد افشای اسرار پروردگار را خواهد کرد پس از این حضرت سجّاد (علیه‌السّلام) گریه زیادی نموده و فرمود: گویا می‌بینم جعفر کذّاب را در حالیکه طاغیه‌ی زمان خود را در جستجوی امر ولیّ خدا راهنمایی می‌کند، و حال اینکه ولیّ پروردگار در محافظت خداوند قرار گرفته و وکالت حرم پدرش بعهده‌ی وی نهاده شده، جعفر کذّاب از روی جهلی که به ولادت ولیّ عصر دارد حریص است که آن حضرت را بعد از ولادت بقتل برساند برای اینکه به میراث پدرش دست پیدا کند و ارث او را بدون استحقاق دریافت نماید ابو خالد گوید: عرض کردم: ای پسر رسول خدا! این اموری که فرمودید انجام خواهد گرفت حضرت فرمود: آری به پروردگارم سوگند این مطالب در صحیفه‌ای که نزد ما موجود است نوشته شده، و در آن صحیفه تمام سختیها و پیش‌آمدهایی که برای ما پیش آمد خواهد کرد مضبوط است ابو خالد گوید: عرض کردم: پس از آن چه خواهد شد حضرت فرمود: پس از آن غیبت ولیّ خدا و دوازدهمین وصیّ حضرت رسول و ائمّه (علیهم‌السّلام) به درازا خواهد کشید فرمود: ای ابو خالد! مردمان زمان غیبت که به امامت او معتقد گردند و منتظر ظهور او باشند بهترین مردمان هستند؛ زیرا خداوند به اندازه‌ای به آنان فهم و خرد و شناخت مرحمت فرموده که غیبت در نزد آنها بمنزله مشاهده، و مردم آن زمان مانند کسانی که در پیشاپیش مقابل حضرت رسول (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) به جهاد پرداخته باشند محسوب خواهند شد، آنها حقّا بندگان خالص و شیعیان راستگو هستند، و آنانند که مردم را بسوی دین خدا در آشکار و پنهان دعوت می‌کنند و در پایان حدیث حضرت فرمود: انتظار فرج از بهترین اعمال است.

ویژگی‌های مهدی

۸. حدّثنا علی بن احمد بن موسی الدقّاق (رضی الله عنه) قال: حدّثنا محمّد بن هارون الصوفی قال: حدّثنا ابو تراب عبداللّه بن موسی

الرویانی قال: حدّثنا عبدالعظیم ابن عبداللّه بن علی بن الحسین بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب (علیهم‌السّلام) [الحسنی قال: دخلت علی سیّدی محمّد بن علی موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن الحسین ابن علی بن ابی طالب (علیهم‌السّلام) وانا اُرید ان اسأله عن القائم اهو المهدی او غیره، فابتدانی فقال لی: یا اباالقاسم! اَنّ القائم منّا هو المهدی یجب ان ینتظر فی غیبته، ویطاع فی ظهوره، وهو الثالث من ولدی، والذی بعث محمّداً (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) بالنبوّه وخصّنا بالاِمامه اِنّه لو لم یبق من الدنیا اَلّا یوم واحد لطوّل اللّه ذلک الیوم حتّی یخرج فیه فیملاء الارض قسطاً وعدلاً کما مُلئت جوراً وظلماً، وانّ اللّه تبارک وتعالی لیصلح له امره فی لیله کما اصلح امر کلیمه موسی (علیه‌السّلام) اِذ ذهب لیقتبس لاهله ناراً فرجع و هو رسول نبی ثمّ قال (علیه‌السّلام): افضل اعمال شیعتنا انتظار الفرج [۳۹] عبدالعظیم حسنی گفت: بر ابوجعفر محمّد بن علی (علیهماالسّلام) وارد شدم و قصد داشتم که از آن حضرت راجع به «قائم» که آیا مهدی همان است پرسش نمایم. قبل از این که من موضوع سؤال را مطرح کنم، آن بزرگوار خود آغاز سخن فرمود، گفت: این ابوالقاسم! بدرستی که قائم از خاندان ما همان «مهدی» است که واجب است انتظار او کشیده شود در غیبتش، و اطاعت گردد در ظهورش، وی سومین فرزند از اولاد من است. سوگند به خدایی که محمّد را براستی برانگیخت، و ما را به امامت مخصوص گردانید اگر از دنیا نماند مگر یک روز، خداوند آن روز را چنان طول خواهد داد که تا مهدی از پشت پرده‌ی غیبت بیرون گردد، و زمین را از عدل و داد پُر نماید همان طور که از جور و ستم پر شده باشد، خداوند امور ولی عصر را در یک شب اصلاح خواهد نمود، به همان روشی که امر موسی بن عمران را در هنگامی که رفت از کوه آتش بیاورد اصلاح فرمود و او را به اهلش برگردانید در حالیکه پیغمبر بود و در پایان حدیث حضرت فرمود: بهترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است.

نتیجه روایت نقل شده از طریق عبدالعظیم حسنی درباره امام عصر

از روایت نقل شده از طریق عبدالعظیم حسنی (علیه‌السّلام) در باره امام عصر (علیه‌السّلام) می‌توان به نتایج و تعالیم زیر دست پیدا کرد:۱. امام زمان (علیه‌السّلام) سومین فرزند امام محمدتقی (علیه‌السّلام) و همنام و هم کنیه با پیامبر (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) است.۲. امام عصر (علیه‌السّلام)، پس از آنکه جهان سرشار از ظلم و ستم شده است، آن را از عدل و داد آکنده می کند.۳. تعداد یاران اولیه او در ابتدا ۳۱۳ نفر و به تعداد نفرات لشکر اسلام در جنگ بدر است و پس از آن با سپاهی که ده هزار نفر می‌باشند به فرمان الهی قیام می‌کند.۴. بیعت هیچ کسی در گردن او نیست.۵. از دشمنان خدا، آن‌قدر می‌کشد تا خداوند خشنود گردد.۶. خداوند کار او را در یک شب اصلاح می کند، چنان‌که مشکل موسای کلیم را در یک شب اصلاح کرد.۷. بهترین اعمال شیعیان، انتظار فرج است و بهترین افراد منتظران ظهور اویند.فیاربّ عجل فی ظهور امامنافهذا دعاء للبریه شامل.

پاورقی

[۱] جنه‌النعیم‌والعیش‌السلیم، المولی باقر بن اسماعیل المازندرانی (م ۱۳۱۳ ه‍- ق) ص ۴۴۴ چاپ سنگی تهران.

[۲] جنه‌النعیم، ص ۴۰۲.

[۳] الذریعه، ذیل عنوان خطب امیرالمؤمنین (علیه‌السلام).

[۴] من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۸۰.

[۵] روضات الجنّات، محمدباقر الخوانساری، ج ۴، ص ۲۱۰.

[۶] قاموس الرجال، التستری، ج ۵، ص ۳۷۴.

[۷] معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۴۹.

[۸] رساله صاحب بن عباد به نقل ری باستان، حسین کریمان، ج ۱، ص ۳۵۶؛ روضات، ج ۴، ص ۲۰۸ حضرت آیه‌اللّه خویی

نوشته‌اند این روایت لااقل از جهت مرسل بودن ضعیف است (معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۴۹).

[۹] توحید، ص ۸۱ – ۸۲، روضات، ج ۴، ص ۲۰۷ و ۲۰۸. [

[۱۰] روضات، ج ۴، ص ۲۱۱ به نقل از ثواب الاعمال، ص ۴۶۰، قاموس الرجال، ح ۵، ص ۳۴۶.

[۱۱] ریحانه الادب، محمدعلی مدرّس تبریزی.

[۱۲] جنه‌النعیم.

[۱۳] روضات، ج ۴، ص ۲۰۸.

[۱۴] سرالانساب، ص ۱۰، به نقل ری باستان، ج ۱، ص ۳۸۹.

[۱۵] جنه النعیم، ص ۴۷۹؛ ری باستان، ج ۱، ص ۳۸۷.

[۱۶] رجال نجاشی، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۱۷ ه.ق.

[۱۷] جنه النعیم، ص ۴۷۱.

[۱۸] منتقله الطالبیه، نسخهِ عکسی کتابخانه لغت‌نامه دهخدا.

[۱۹] امام فخر رازی (م ۶۰۶ ه) از دانشمندان اهل سنّت است.

[۲۰] الشجره المبارکه، ص ۶۴، منشورات کتابخانهِ آیه‌اللّه مرعشی.

[۲۱] جنه النعیم، ص ۴۰۱.

[۲۲] کتاب الرجال، چا پ مرحوم محدث، ص ۲۲۶.

[۲۳] روضات، ج ۴، ص ۲۱۰.

[۲۴] عمده الطالب فی انساب آل ابی‌طالب، ص ۷۵.

[۲۵] الفصول الفخریه، چا پ مرحوم محدث، ص ۱۰۷.

[۲۶] روضات، ج ۴، ص ۲۰۹ و آن از ارواشح.

[۲۷] مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۶۷.

[۲۸] وسائل، چا پ دار احیاء التراث، ج ۲۰، ص ۲۲۸ – ۲۲۹.

[۲۹] جامع الرواه، الاردبیلی، ص ۴۶۰.

[۳۰] شعب المقال، النراقی، ص ۷۰ – ۷۱ ر.ک: مقاله «عظمت شخصیت عبدالعظیم حسنی (علیه‌السلام)»، سید جعفر شهیدی، مجله علوم حدیث، ش ۱.

[۳۱] البقره / ۱۴۸.

[۳۲] کمال الدین ۱ / ۳۶؛ الاحتجاج ۲ / ۲۴۹.

[۳۳] معانی الاءخبار ص ۱۳۹، باب معنی الرجیم.

[۳۴] کمال الدین، ب ۲۸، ح ۳.

[۳۵] الامالی للصدوق ۴۱۹؛ روضه الواعظین ۳۱؛ کفایه الاثر ۲۸۶.

[۳۶] الکافی ۱ / ۳۷۲.

[۳۷] کمال الدین، ج ۱، ص ۳۰۳.

[۳۸] کمال الدین و تمام النعمه ۳۱۹.

[۳۹] کمال الدین، ص ۳۷۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹